

"به همرا تجربیات ارزشمند ایشان"

استراتژی ترید روزانه

سلام دوستان

حدود چند هفته پیش در همین بخش از انجمن تایپکی رو دیدم با عنوان بهترین ساعات معاملاتی در روز. در گذشته هم چندین بار در مورد خصوصیات زمانی بازارهای گوناگون بررسی هایی رو انجام داده بودم که نهایتا باعث شد پیش زمینه های طراحی یک روش و سیستم ترید در ذهنم بر این اساس شکل بگیره. اما قبل از اینکه وارد روش معاملاتی بشم توضیحاتی پایه ای رو ارایه می کنم از دلایل علاقه ای که برای پیگیری این روش و طراحی سیستم مبتنی بر اون در من ایجاد شد. من مدتهاست فقط و فقط با سبک ماینر و در تایم فریم های روزانه به بالا ترید می کنم. سایر روشها تا به امروز به عنوان روشی کاربردی زیاد برایم مهیج برای کار در این بازار نبوده اند، اما در این چند هفته احساس کردم میشه ترکیبی از ساده ترین ابزار رو بر اساس بهترین ساعات معاملاتی ایجاد کرد و در پست های بعدی توضیح می دهم که چرا این روش رو مناسب برای تعداد زیادی از تریدرها می دونم.

قبل از هر چیز می خواهم خیلی شفاف برخی مسایل رو براتون باز کنم تا در پایان متوجه بشید که دلیل اینکه به دنبال چنین سیستمی رفتم چه بود. برای چنین موضوعی لازم هست که کمی به عقب برگردم.

زمانی که وارد دنیای فارکس شدم تا نزدیک به دو سال روش های تحلیلی متعددی رو مطالعه و تعدادی از اونها رو که برام جذابیت بیشتری داشتند در حساب دمو و گاه ریل تست نیز کردم اما هیچ زمان احساس اینکه روشی کامل و اصولی رو در اختیار دارم نمی کردم و خواندن کتب بسیار در حوزه تحلیلی و تقریبا تمامی روش های تکنیکالی که توسط سایر دوستان شرح و آموزش داده شده بود فقط من رو تبدیل کرده بود به کتابخانه ای از اطلاعاتی که ازشون قادر نبودم پولی بسازم.

نهایتا با روش ماینر آشنا شدم و شانس زیادی آوردم که در اون زمان جز شاگردان ساسان امیری قرار گرفتم. هر چه در مباحث الیوت ماینر جلوتر می رفتم اون رو بیشتر با خصوصیات روحی و روانی مورد نیازم در این بازار منطبق می دیدم و این موضوع باعث شد تا بعد از گذراندن دوره حضوری الیوت در نزد ساسان تصمیم بگیرم هر آنچه از منبع اصلی شخص ماینر میشه بدست آورد رو تکمیل کنم. نتیجه هر چند به سختی اما موفقیت آمیز بود. تمامی کتب ماینر و تمامی کورس های ایشان رو که تعدادی از اونها رو بچه ها نمی شناختند جمع آوری کردم و همگی رو بارها مطالعه کردم و دیدم. به موازات شروع به تدریس در این حوزه کردم چرا که اعتقاد داشتم نواقص احتمالی می تونه در این کلاس ها برایم آشکار بشه در عین اینکه باعث تقویت و تسلط بی چون و چرایم روی روش خواهد شد.

خوشبختانه همینگونه هم شد و نه تنها موفق شدم بر اساس آنچه ماینر و شاگردانش می گفتند یک استراتژی مدون رو تدوین کنم بلکه به نقطه ای از اعتماد در تحلیل رسیدم که گاه تحلیل های خود ماینر رو مخالف جهت تحلیلی خودم می دیدم اما بر اساس تحلیل خودم ترید ریل انجام می دادم. ما حصل کلام اینکه هر آنچه در الیوت به سبک ماینر وجود داشته رو بنده بارها و بارها خوانده ام و از این روش تحلیلی در بازار سودها و ضررهایی کرده ام که برآیند کلی همواره مثبت بوده و در حاشیه سود مناسبی بر اساس چارچوب های فکری خودم از تعریف سود قرار داشته ام.

اما در مجموعه کلاسهایی که برگزار می کردم نواقصی رو متوجه شدم!

در انتهای پست قبلی اشاره به نواقصی کردم که در بررسی کارکرد دانشجوهایم پیدا کردم. تا به امروز نزدیک به ۲۰۰ نفر دوره الیوت رو با بنده گذرانده اند. نیمی از اونها در دوره های حضوری شاگرد بنده بوده اند و نیمی از اونها در دوره های آنلاین شاگردم بوده اند که البته از بهار سال ۱۳۹۰ و با توجه به شرایطی که ایجاد شد دیگر فردی رو آموزش نداده ام.

با بسیاری از این بچه ها هنوز دوردور در ارتباط هستم و تقریبا ماهیانه چند نفرشون برای برطرف سازی ایرادهای کارشون به دفتر بنده می آیند. نکته قابل تاملی در اینجا وجود داره. شما می تونید الیوت رو در تایم فریم های گوناگونی مورد استفاده قرار بدهید. چیزی که بنده به صورت ملموس دیدم این بود که اون دسته از دانشجوها که سعی در پیاده سازی این روش در تایم فریم های چهارساعته به بالا داشتند در برابری کارشون بسیار موفق تر از دوستانی بودند که این روش رو در تایم فریم های یکساعته به پایین پیاده می کردند.

البته در اینکه برخی از پترن ها مانند abc یا همون ترید در انتهای کارکشن ها حتی در تایم فریم های یک دقیقه ای هم قابل بهره برداری هستند شکی نیست اما به صورت کلی خدمت دوستان عرض می کنم که دوستانی که می خواستند از این روش در تایم فریم های زیر یکساعته استفاده کنند چندان از نتایج راضی نبودند. نکته قابل تامل دیگر اینکه اکثریت تریدرها نهایتا در تایم فریم یکساعته ترید می کنند و چندان تمایلی به تایم فریم های روزانه و هفتگی ندارند و این در حالیست که این تایم فریم ها در الیوت بسیار ایده آل رفتار می کنند.

در ادامه توضیحاتی در مورد پارادوکس هایی خواهم داد که برای تریدرها در چگونگی انتخاب تایم فریم ترید پیش می آید. بحثی که اهمیت زیادی داره و جرقه اصلی این روش) **روزانه یک ترید** (بر این اساس زده شد.

پست بعدی رو ظهر به بعد می زنم چون باید برم بیرون الان بابت کاری. خوشبختانه این تعطیلی چند روزه و ماندن در خانه این نوید رو میده که بتونم بخش های عمده ای از مساله رو جلو ببرم و در انتها نیازمند کمک دوستان برای تکمیل روش هستم.

در پست قبلی به این موضوع اشاره کردم که در سیستم های مبتنی بر الیوت در تایم فریم های بالاتر مانند روزانه و هفتگی تحلیل چارت خیلی ملموس تر و میسرتر می باشد و نتایج آماری موفق تری رو در تریدهای تحلیلیگران الیوتی شاهد هستیم. البته این مورد تقریبا یک مورد عمومی هست و در سایر روش های تکنیکال هم شاهد جوابگویی بهتر چارت ها در تایم فریم های بزرگ تر و کلیدی تر هستیم.

اما تقریبا اکثریت تریدرها ترجیح می دهند در تایم فریم های کوچک تر کار کنند. سوالی که پیش میاد این هست که دلیل این موضوع چیه و چرا این پارادوکس شکل می گیره. چرا تریدرها با وجودی که می دونند هر چه تایم فریم بزرگ تر باشه نتایج آماری تریدهاشون بهتر میشه در عمل به دنبال ترید در تایم فریم های پایین هستند.

همیشه در سر کلاس به بچه ها توصیه کردم که در الیوت ماینر با توجه به همه جانبه بودن بررسی ابعادی بازار زیر تایم فریم چهارساعته نوید چون ممکنه نتایج خطا به شدت بالا بره. اما در عمل دیدم اکثریت تمایل به استفاده از علوم تحلیلی در تایم فریم های پایین تر دارند.

اما ریشه های این پارادوکس:

1- در تایم فریم های بزرگ تر تعداد موقعیت های ورود به بازار به شدت کم میشه و در نتیجه بیشتر از اینکه یک تریدر باشید یک سرمایه گذار هستید. خب این موضوع برای خیلی از ما که ترید رو می خواهیم به عنوان یک شغل نگاه کنیم ملموس نیست و

اصولا برای سرمایه گذاری گزینه های زیاد دیگری هم در دسترس هست که کم خطر تر هستند.

2- در تایم فریم های بالاتر اگر بخواهید رعایت مدیریت سرمایه رو انجام دهید با توجه به بزرگ تر شدن استاپ ها کار با مبالغ پایین سرمایه خیلی دشوار میشه و مجبور هستید مبلغ بالایی از سرمایه رو وارد بازار کنید. این موضوع برای دو عده نشدنی هست. دسته اول اونهایی که با مبالغ پایینی در دنیا ترید هستند که تعدادشون هم کم نیست و دسته دوم اونهایی که با ورود سرمایشون به این بازار مخالف هستند و ترجیح می دهند سود از بازار رو در قبال زمان صرف شده بدست بیارن نه در قبال ورود سرمایه.

3- معمولا افرادی که فعالیت در این بازار به عنوان شغل اولشون محسوب میشه تمایلی به کار در تایم فریم های بالا ندارند. زمانی که شما زمان زیادی رو برای سروکله زدن با بازار صرف می کنید انتظار اینکه فقط ماهی یک ترید داشته باشید کمی نشدنی هست (حالا فرصت کنید در دنیا احتمالات بازار همان ترید هم ناموفق از آب دربیاد!). نکته دیگر اینکه شما هزینه هایی ثابت و روزمره دارید که باید اونها رو تامین کنید و برگشت پول در زمان های کوتاه براتون اهمیت داره.

علاوه بر عوامل کلیدی فوق دلایل متعدد دیگری مانند عدم تمایل به پرداخت سود شبانه به بروکر، با خیال راحت خوابیدن در شب به دلیل پوزیشن باز نداشتن و ده ها دلیل دیگر... از جمله مواردی هستند که این پارادوکس رو شکل می دهند.

من همیشه در اون دسته تریدرهایی بوده ام که بیشتر به این بازار با دید سرمایه گذاری نگاه کرده ام چون شغل اول دیگری با درآمد مناسب دارم، سرمایه نسبتا مناسب چندصد هزار دلاریم برای کار در تایم فریم های بالا جوابگوست و صبر کردن در این بازار رو که کاری بسیار دشوار است آموخته ام هر چند به سختی.

اما در این تایم می خواهم با دید تریدر به موضوع نگاه کنم و دلیل طراحی این سیستم معاملاتی هم توجه به وجوه مشترک اکثر تریدرها بود. وجوهی مانند شغل اول، سرمایه کم، بازگشت سریع سرمایه و نداشتن صبر کافی به دلیل مشکلات زندگی هر فرد...

به همین دلیل مدتی در تلاش برای تلفیق روشی مطمئن بودم تا بتوانم بر اساس بعضی پایه های روش ماینر در تایم فریم های کوچک روشی موفق و ساده رو طراحی کنم تا اینکه رسیدم به همون تایپیک که عرض کردم و جرقه اصلی طراحی روش از اونجا زده شد.

اما چند نکته مهم از پایه های سیستم:

1- در این بخش می خواهم بخشی از تجربیات تریدهای خودم رو بگم و اون این هست که به دلیل لانگ ترم بودن پوزیشن ها و باز بودن اونها در چندین هفته معمولا مبلغ قابل توجهی رو بابت سوآپ شبانه پرداخت می کنم و این درحالیه که بازار در ساعات شب غالبا فاقد حرکت خاصی در جهت ترند هست.

2- دو بازار لندن و نیویورک بازارهایی هستند که اصل ماجرا و گام های اصلی ترند ها در اونها شکل می گیره. سشن لندن از ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه صبح و سشن نیویورک از ساعت ۴:۳۰ دقیقه بعد از ظهر هر یک به مدت ۹ ساعت فعالیت خودشون رو شروع می کنند. معمولا بیشترین عرضه ها و تقاضاها در همین بازه زمانی صورت می گیره و علی الخصوص ساعات اولیه هر بازار. اگر حرکات بازار فارکس رو به نحوری متاثر از قدرت هر ارز که ارتباطی مستقیم با بازارهای بورس نیویورک و لندن داره بدونیم همیشه اینطوری به قضیه نگاه کرد که در شروع هر سشن بازار عطش زیادی برای معامله گران بازار (چه فارکس و چه بورس و چه هر بازار دیگری...) وجود داره و با گذشت حدود نیمی از زمان بازار ۹ ساعته (۴ ساعت) عطش ها فروکش می کنه.

3- با فرض اینکه عرضه و تقاضا روند های صعودی و نزولی رو شکل میدهد ما در بازه های زمانی ۴ ساعت اول هر بازار انتظار شروع حرکتی قدرتمند رو می تونیم داشته باشیم. با این فرض همیشه عنوان کرد که بازار یک بار حوالی ساعت ۱۱:۳۰ صبح و یک بار حوالی ساعت ۴:۳۰ دقیقه بعد از ظهر تشنه معامله میشه که نگاهی به حجم بازار در این ساعات نیز این موضوع رو ثابت میکنه.

4- معمولا بازار همواره به صورت سینوسی و رفت و برگشت عمل می کنه. یکی از نکات حایز اهمیت این هست که وقتی بازاری در لندن نزولی رقم می خوره در نیویورک با گذشت چند ساعت نیروها تمایل به حرکت در جهت خلاف بازار لندن رو دارند. مگر اینکه داده ای اقتصادی بسیار قوی رو شده باشه که حرکات همجهت و با قدرت و بدون نفس گیری پیش بره.

5- پس همیشه اینطور بگم که بازار دو بار در روز تکان می خوره و ترند پیدا می کنه یک بار در اوایل بازار لندن و یک بار در اواسط بازار نیویورک. یکی از اینها ترند میشه و اون یکی کانتر ترند (معمولا دومی).

6- قدرت این حرکات بازار معمولا در حد چند کندل هست که بر اساس بررسی های اماری به صورت متوسط ۷ کندل هست و بعد از اون تریدرها کار رو برای اون روز تعطیل می کنن.

7- تا بام فریم یکساعته رو برای این سیستم مد نظرم هست چون به شدت مورد علاقه تریدرهای شرت ترم کار هست.

8- بازار روزی یک جهت دارد و یکی از جهت ها که معمولا بعد از ساعات اولیه بازار نیویورک هست فقط نفس گیری هست و برای ترید مناسب نیست. بنابراین روزی یک ترید مناسب هست و با اون روز خداحافظی می کنیم.

9- فقط روی یورو دلار کار می کنیم که پر حجم ترین جفت ارز هست و کمتر تحت تاثیر حرکات عجیب و نوسانات ناگهانی قرار می گیره.

10- در حالت کلی بازار به صورت ذاتی تمایل به حرکت در جهت روز قبل را دارد.

در پست بعدی روش کار رو به صورت خلاصه بیان می کنم.

و اما روش ترید به صورت گام به گام:

1- چارت متاتریدر رو روی h1 تنظیم می کنیم. در پایین چارت اندیکاتور دی تی اسپلاتور رو قرار می دهیم. من این اندیکاتور رو روی مک دی می گذارم اما در حقیقت از مک دی استفاده ای نمیشه.

2- روزانه ۲۴ کندل تشکیل میشه. معمولا ۷، ۸ کندل اول نقشی در ترید ما ندارند. پس لطفا شب رو با خیال راحت بخوابید! **اولین کندلی که بسته شدن اون رو چک می کنیم راس ساعت ۹:۳۰ دقیقه به وقت تهران هست. از این ساعت یک ساعت یک ساعت بسته شدن کندل ها رو چک می کنیم.**

3- علی القاعده اگر فرصتی در اون روز نصیب شما بشه **بین ساعت ۹:۳۰ تا ۱۲:۳۰** اتفاق میفته. پس شما درواقع ۵ بار به چارت سر می زنید. ۹:۲۵، ۱۰:۲۵، ۱۱:۲۵، ۱۲:۲۵، ۱۳:۲۵

- 4- دلیل اینکه ۵ دقیقه قبل از بسته شدن کندل پای چارت میباید اینه که یک پندینگ اردر در زیر لو یا بالای های اون کندل ثبت کنم. نقطه ورود برای پوزیشن فروش دقیقا ۱ پیپ پایینتر از لو و برای خرید ۴ پیپ بالاتر از های هست (با فرض اینکه اسپرد یورو دلار ۳ باشه)
- 5- از کجا بفهمم باید خرید کنم یا فروش؟ به دی تی اسلاتور با دو پارامتر نگاه می کنیم یکی ۸ و دیگری ۱۲. ببینیم در اورباوت هستند یا در اورسل. اورباوت سیگنال فروش و اورسل سیگنال خرید به شما میده.
- 6- اگر قبل از ۹:۳۰ یا بعد از ۱۳:۳۰ سیگنال صادر بشه اعتبار نداره. اگر در زمان صادر شدن سیگنال حداقل یکی از اسلاتورها (۸) در منطقه اشباع نباشه سیگنال اعتبار نداره.
- 7- معمولا بازار بین ۵ تا ۷ کندل در جهت پیش بینی حرکت می کنه و انتخاب نقطه خروج اختیاری هست. می تونید از روش کندل برگشتی، میزان پیپ ثابت و یا ورود به منطقه مقابل اشباع توسط پارامتر ۸ اسلاتور استفاده کنید. اگر خواستید از میزان پیپ ثابت استفاده کنید اعدا ۱۰، ۲۰ و سپس ۳۰ مناسب هستند. ترجیحا ۲۰ پیپ که رفتید تو سود شروع به تریل کردن کنید. توجه کنید که سود حاصله کم اما روزانه هست.
- 8- اگر پندینگ اردری گذاشتید اما بازار همچنان سایید باقی ماند با گذشت چند کندل میشه از بازار ولو با ضرری اندک خارج شد.
- 9- نقطه خروج اولیه رو بر اساس تجربه بگذارید یا از میزان ثابتی ریسک استفاده کنید. مثلا یک عدد پیپ ثابت.
- 10- مدیریت سرمایه با خود شما هست. چون سیگنال ها روزانه هست من از لوریج استفاده نمی کنم.
- 11- ترجیحا در روزهای دوشنبه ترید نکنید.
- یک روش ساده اگر بخواهید از حجم ثابت استفاده کنید این هست که به اندازه پول واقعی ترید کنید. فرضا ۵۰۰۰۰ دلار دارید که میشه ۰,۵ لات. پس ۰,۵ لات ترید می کنید.
- بعد از توضیحات مختصری که در مورد مبانی روش دادم به نکات زیر هم بد نیست اشاره ای کنم:
- 1- روزهای دوشنبه به هیچ عنوان تریدی انجام نمیشه. پس در هفته در بهترین شرایط ۴ ترید داریم در چهار روز باقیمانده. با این توضیح که ممکن هست در بعضی روزها به دلیل عدم ایجاد شرایط ایده آل اصلا تریدی نکنیم.
- 2- از چهار بعد الیوت ماینر فقط روی بعد مومنتوم زوم کرده ایم. قیمت، زمان و ساختار رو در این روش ندیده می گیریم. آنچه دنبالش هستیم روند جاری قیمت و رفتارشناسی معامله گران با توجه به ساعات بازار لندن و نیویورک هست.
- 3- با توجه به اینکه برای ترید بر چارت خالی بدون هیچ ابزاری متکی هستیم و از مومنتوم جهت تایید استفاده می کنیم توجه به فرم های کندلی خیلی زیاد اهمیت داره. درواقع باید حتما در تایم فریم یکساعته شاهد یک شکست لو یا های کندل تثبیت شده قبلی باشیم.
- 4- همانطوری که اشاره کردم انتخاب نقاط هدف و استاپ اختیاری هست اما من از روش ثابت ۲۰ پیپ استاپ و ۳۰ پیپ تارگت

استفاده می‌کنم. اگر بازار چند ساعت ابتدایی بازار نیویورک رو رد کرده باشه و بعد از ۷، ۸ کندل به تارگت نرسیده باشه پوزیشن رو حداقل ریسک فری کنیم.

5- نوع مدیریت سرمایه بر اساس ۰،۵ درصد کل سرمایه در هر ترید هست. پس در هفته نهایتاً ۴ تا نیم درصد ریسک می‌کنیم. مفهوم این جمله اینه که در بهترین شرایط ۲ درصد سود میشه در هفته کرد نه بیشتر. اگر یکی از سیگنال‌ها استاپ بخوره این میزان به ۱ درصد کاهش پیدا می‌کنه و اگر دو استاپ بخوریم اون هفته سودی نمی‌کنیم.

6- هدف بلند مدت کسب ماهیانه ۲ درصد سود هست. با احتساب حداکثر ۱۶ پوزیشن در ماه ۱۰ پوزیشن مثبت و ۶ پوزیشن منفی ما رو به نتیجه خواهد رساند.

7- اگر دقت کنید بیشتر از اینکه پلان ترید بر اساس تحلیل بازار شکل گرفته باشه بر اساس مدیریت سرمایه و بازی با احتمالات شکل گرفته. این موضوع با دقت به این جهت کشیده شده چون به اعتقاد بنده تحلیل تکنیکال نهایتاً ۲۰ درصد ماجرای بازار هست و در اینجا زیاد روی اون نمی‌خواهیم متمرکز شویم. بلکه بر روی پیاده سازی بقیه بخش‌ها مانند مدیریت دقیق سرمایه، توجه کامل به روانشناسی بازار و بررسی اهداف کوتاه مدت و میان مدت متمرکز هستیم.

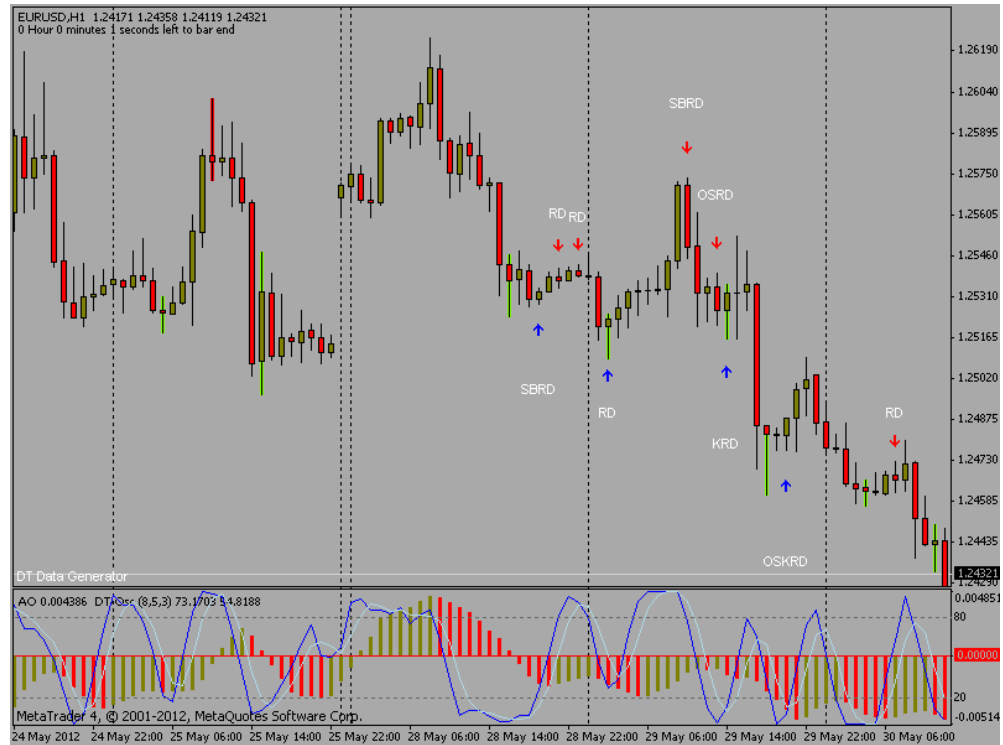
اگر دوستان سوالی داشته باشند یا نقطه نظری که کمک کنه به موضوع خوشحال میشم همفکری کنند. از روز ۳ شنبه همین هفته کار شروع میشه و نتیجه روزانه ارایه میشه.

این روش به مدت ۲ ماه (حداکثر ۵۲ روز کاری) بر روی یک حساب ۲۰۰ هزار دلاری دمو تست میشه و هدف بنده این هست که به حداقل سود مورد نظر در این ۳ ماه برسم (۱۰ پوزیشن مثبت از هر ۱۶ عدد). توجه کنید که اگر می‌خواستیم کاملاً شانس‌ی ترید کنیم با در نظر گرفتن اسپرد ۴۵ درصد شانس برد و ۵۵ درصد شانس باخت داشتیم که تحلیل ما در اینجا باید این درصد رو به ۶۲،۵ درصد برد و ۳۷،۵ درصد باخت برساند. پس کار سختی پیش رو است چون می‌بایستی با تحلیل‌هایی با احتمال زیاد سودرسانی، حداقل نقطه صفر مرکزی (نقطه شانس) رو ۱۷،۵ درصد جابجا کنیم.

اگر موفقیت‌آمیز باشه و بنده رو به نقطه اطمینان مورد نظر برسونه بعد از سه ماه به صورت ریل بر روی یک حساب سنگین ۲ میلیون دلاری (مال بنده نیست) پیاده خواهد شد.

برای اینکه موضوع کمی جا بیفته تصویری رو الصاق کرده‌ام. اگر به روزهای ۲۵، ۲۸ و ۲۹ (که با خطوط نقطه چین از هم جدا شده اند) نگاه کنید در حوالی ساعت ۹ تا ۱۱ که به وقت تهران حدود ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ میشه کندل‌های تریگر (اولی وایزمن، دومی انگولفینک و سومی تقریباً توپیزر) در شرایطی ایجاد شده که دی‌تی‌اسیلاتور هم با پارامترهای ۸ و ۱۳ (شما فقط ۸ رو در تصویر می‌بینید) در منطقه اشباع کراس داره. چون سیگنال‌ها فروش هست کافیه ۱ پیپ پایینتر از کندل تریگر پندبگ اردر قرار بدهم و سپس تارگت و استاپ ۲۰ پیپی رو قرار می‌دهم.

البته این نمونه یک نمونه ایده آل هست و همه روزها شرایط به این صورت نیست. فقط من باب توضیح، تصویر روش ترید رو قرار دادم.



در یک ایمیل دوست عزیزی سوالی پرسیدند که جالب بود و ترجیح دادم پاسخ اون در تایپک ارسال بشه.

سوال این بود که دی تی اسیلاتور با پارامتر ۸ معمولا بین صبح تا ظهر دو بار در منطقه اشباع قرار می گیره که یکی سیگنال خرید و دیگری سیگنال فروش میده. از کجا بدونم کدام یکی سیگنال اصلی هست؟

به این نکات توجه کنید:

- 1- در الیوت من معمولا موج شماری رو بر اساس چارت انجام نمی دهم بلکه ریز موج ها رو در پارامتر ۸ می شمارم و معادل اون رو در چارت شناسایی می کنم. این موضوع باعث میشه حتی کارکشن های کامپلکس رو بشه راحت تر شناسایی کرد.
- 2- این نکته رو قصد نداشتم بگم اما چون سوال خوبی پرسیده شد اشاره می کنم. اگر دقت کنید در اغلب روزها بر اساس پارامتر ۸ بین ۴ تا ۶ موج (در اغلب روزها ۵ موج) داریم. این امواج در چارت نیستند و در اسیلاتور هستند و راستش بنده بر اساس دیدم روی اسیلاتور کراس اصلی رو تشخیص می دهم. این کراس معمولا در موج ۲ اون روز اتفاق میفته (موج اول معمولا بین دو روز قرار می گیره). باز هم تاکید می کنم این امواج رو با امواج الیوتی چارت اشتباه نگیرید.
- 3- دوست خوبمون درست اشاره کردند که معمولا دو کراس در صبح داریم. دومی در اغلب موارد اصلی هست. پس اگر دیدید ساعت ۷:۳۰ یا ۸:۳۰ چارت سیگنال داده احتمالا زود باشه و باید منتظر کراس بعدی در خلاف جهت باشید. اکثر سیگنال ها حوالی ظهر صادر میشه.

در پایان اشاره کنم که کاستی های این روش باید در عمل پیدا بشه اما نتایج رو بر روی داده آماری یکسال گذشته بررسی کرده ام و در بکوارد کاملا کارآمد بوده و نتایج اون حیرت انگیز بوده. منتها تا روی ریل تایم تست نشه و نتیجه فوروارد تست به دست نیاد

نمیشه قاطعانه نظر داد.

به شخصه دیدم بر روی جواب دادن روش بسیار مثبت هست. روشی بسیار ساده بدون نیاز به اطلاعات و دانش تحلیلی. جا داره از آپدی align تشکر کنم که با راه اندازی تایپیک بهترین ساعات معاملاتی در روز جرقه ایجاد این روش معاملاتی رو در ذهن من ایجاد کرد.



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر :